



شاه اسماعیل صفوی و تغییر مذهب

بهزاد کریمی

دبیر مجموعه بهزاد کریمی



تقدیم به پرفسور راجر سیوری (تولد ۱۹۲۵ م)،
صفویه‌شناس شهیر بریتانیایی

سرشناسه: کریمی، بهزاد، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور: شاه اسماعیل صفوی و تغییر مذهب/ بهزاد کریمی

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۳۴ ص: مصور، نقشه، نمونه.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۳۲۲-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه

یادداشت: نمایه.

موضوع: اسماعیل صفوی اول، شاه ایران، ۸۹۲-۹۳۰ ق.

موضوع: ایران - تاریخ - صفویان، ۹۰۷-۱۱۴۸ ق

موضوع: Iran--History--Safavids, 1502-1739

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ش۲ ک/۱۱۹۸ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۰۳۱۴۰



روشنی را بدینسان هدایت
بسیار است پیچیده



انتشارات فتنون

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ۱۱۱، پلاک ۱۰۰، پری
شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۴۰۸۶۴۰

بهراد کریمی

شاه اسماعیل صفوی و تغییر مذهب

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۷

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۶ - ۳۲۲ - ۲۷۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISSN: 978-600-278-322-6

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۱۵۰۰۰ تومان

فهرست

۶	رویدادهای مهم در عهد شاه اسماعیل
۹	سخن دبیر مجسمه
۱۱	پیشگفتار
۱۵	۱. زنجیره موعودگرایی
۲۵	۲. از فقر و خاکساری تا ملکه دربار: تبار و مذهب شاه اسماعیل
۴۵	۳. «مرا بدین کار بازداشته اند». تغییر هاله
۵۷	۴. خشونت و وحشت: سرکوب مدعیان داخلی
۷۳	۵. کاسه سر شد قدح: مسئله شرق
۸۱	۶. شاه و سلطان: مسئله عثمانی
۹۱	۷. اسطوره فرومی ریزد: چالدران
۱۰۷	۸. اولین شکست، آخرین جنگ: از شکست چالدران تا مرگ
۱۱۹	نگاه آخر
۱۲۵	یادداشت ها
۱۲۶	منابع
۱۲۹	نمایه

پیشگفتار

ایران معاصر به نحوی انکارناپذیر به لحاظ فرهنگی و سیاسی تحت تأثیر اقداماتی قرار دارد که پانصد سال پیش در این شاه اسماعیل اول صفوی انجام داده است. از همین رو، دامنه فعالیت‌های شاه اسماعیل تنها محدود و محدود به عصر صفویه نیست و نباید آن را با اقدامات رایجی از این دست که در طول تاریخ ایران مشابه فراوان دارد یکی دانست.

از تغییر مذهب و وحدت سرزمینی اغلب در حکم دو دستاورد بزرگ دوران شاه اسماعیل یاد می‌شود. شاه اسماعیل برای بخیزاندن، پس از ورود اسلام به ایران، در اقدامی متهورانه تشیع امامی یا دوازده‌امامی را مذهب رسمی مملکت اعلام کرد و سرسختانه در صدد گسترش این مذهب خاص در ایران بیشتر سنی مذهب آن روزگار برآمد. این وحدت در مذهب، با وجود انتقادات فراوان از نحوه عمل و رفتار شاه



اسماعیل، در بلندمدت زمینه‌ساز وحدت فرهنگی و سپس وحدت سیاسی شد؛ عنصری کمیاب که در زمانه گردنکشی حاکمان محلی در تاریخ ایران پس از اسلام به بوته فراموشی سپرده شده بود. همچنین شاه اسماعیل تلاش کرد با نگاهی تاریخی به حوزه جغرافیا، قلمرو تاریخی ایران باستان را احیا کند. شجاعت‌ها، جسارت‌ها و گاه تصمیم‌های فردی غیرعقلانه در کنار سرسپردگی مطلق مریدان به او، دست‌کم تا پیش از واقعه هایلۀ چالدران، این ناممکن را ممکن ساخت و برای نخستین بار پس از سقوط دولت ساسانی شاهد روی کار آمدن حکومتی ایرانی هستیم که بر گستره باستانی ایران فرمانروایی می‌کرد.

شاه اسماعیل اول، اثر یک نقاش گمنام ونیزی

شاه اسماعیل همچنین مؤسس حکومتی شد که طولانی‌ترین دوره حکومت را در میان همتایان خویش در ایران دوره اسلامی دارد. این تداوم سیاسی همراه با دو عنصر پیشین و افزون بر آن تأکید بر عناصر ایرانی، ایران را هرچه بیشتر به شکل کنونی‌اش درآورد. حکومت شیعی صفویه در ایام حیات خویش، بحران‌ها و دوره‌های آرامش بسیاری را پشت سر گذاشت و عمر آن با اولین تکاپوهای معرفتی و تکنولوژیکی در غرب مقارن شد. ورود ایران به عرصه روابط بین‌الملل نخستین بار در زمان همین حکومت شکل گرفت و ایران عهد شاه عباس به هم‌آوردی با دولت‌های قدرتمند اروپایی برخاست. هنر و تمدن ایرانی در عصر این سلسله برای آخرین بار به اوج رسید و همچنین تشیع اثنی‌عشری از مذهب منزه و منفعل به مذهبی سیاسی و عملگرا تبدیل شد. همه این دستاوردها حاصل اصلاحات تغییر مذهب از سوی شاه اسماعیل و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر او برای بازپس‌گیری سرزمین‌های پارتین ساسانیان بود.

بی‌تردید دامان شاه اسماعیل همچون دیگر کُنشگرانِ عرصه سیاست در ایران، پالوده از خطا و اشتباه نبود. او در نیل به در مقصد پادشاهی از هیچ‌چیز فروگذار نکرد. گاه اخلاق را زیر پا گذاشت و گاه حتی به مخالفت با تشیع برخاست، گاه به قواعد دیپلماتیک واقعی نهاد و گاه همچون کودکی شکست‌خورده در بازی سودکانه به کُنجی خزید و هیچ نگفت. اما این پادشاه با وجود کمی‌ها و کاستی‌ها قدم‌های بزرگی گذاشت که می‌توان از آن به فرایند «هویت‌سازی» و «ملت‌سازی» تعبیر کرد.

داوری درباره این پادشاه همچون دیگر پادشاهانی که بر این سرزمین تاختند یا آن‌ها که در جهت رفاه و آسایش مردم و پیشرفت سرزمین گام برداشتند آسان نخواهد بود. مؤلف تلاش کرده است با فراهم آوردن برخی از مهم‌ترین فرازهای زندگی شاه اسماعیل، آن هم با تأکید بر مسئله تغییر مذهب، زمینه را برای داوری در باب این شخصیت پیچیده و بحث‌برانگیز تاریخ ایران آماده سازد. بی‌گمان نتایج این داوری‌ها همسان نیست، همچنان که روایت‌های تاریخی همسان نیستند و بنا بر علاقه و گرایش و گاه مذهب مخاطبان و خوانندگان گزینش، تفسیر و پسندیده می‌شوند.

حکومت صفویه از دل فرایندی طولانی بیرون آمد. در این فرایند، که دست‌کم از دوران یورش خانمان‌برانداز مغول به این‌سو شدت گرفت، نگره‌های صوفیانه و دنیاگريزانه تقویت شد و این نگره‌ها هرچه بیشتر با مذهب تشیع درآمیختند. طریقت صفوی، که

شیخ صفی‌الدین اردبیلی آن را بنیاد گذاشت، در واقع محصول یک سلسله جنبش‌ها و نهضت‌های صوفیانه و مذهبی بود که رهبران هر کدام از آن‌ها در روزگار خویش کوشیدند همانند صفویه به تاج و تخت دست یابند، اما به دلایل مختلف از این کار بازماندند. فصل نخستین این کتاب به بررسی و مطالعه این جریان‌های ناکام می‌پردازد.

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل درباره شاه اسماعیل و طریقت صفویه، تبار و مذهب آن‌هاست. با ملاحظه اقدام غریب شاه اسماعیل در رسمیت دادن به تشیع در زمانه‌ای که گفتمان غالب، مذهبی سنت بود، این پرسش مطرح می‌شود که در تبار و مذهب شاه اسماعیل چه عناصری وجود داشت که او را به سمت این اقدام سوق داد؟ تلاش برای بررسی آموزه‌های رایج جدید در این باره موضوع فصل دوم است.

تغییر مذهب قلب ماجرای شاه اسماعیل و این کتاب است، زیرا اقدامات شاه اسماعیل پیش و پس از تاج‌گذاری، به‌ویژه این محور بود؛ از سیاست داخلی گرفته تا روابط دیپلماتیک. از همین رو تلاش شده است تا جزئیات واقعه تغییر مذهب در ایران آن زمان بر اساس منابع دست‌اول در فصل سوم مطالعه و بررسی، و در باب تمهیدات شاه اسماعیل در جهت گسترش معرفت شیعه اندیشیده شود.

شاه اسماعیل برای گسترش تشیع در سرزمینی که بیشتر مردم آن با سنت خو گرفته بودند، کاری سخت پیش رو داشت. او بایستی هم، لحاظ سیاسی و نظامی بر رقبا پیروز می‌شد و هم ایدئولوژی جدید تشیع را می‌پراکند. انجام دادن این هر دو خالی از خشونت و مهابت نبود. در فصل چهارم، ضمن بررسی نبردهای داخلی شاه اسماعیل، می‌کوشیم سلوک او را با مردم نواحی تصرف‌شده از حیث گسترش تشیع بررسی کنیم.

در روزگار شاه اسماعیل، همسایگان شرقی ایران از سال‌ها پیش از سر آمدن تشیع دست‌اندازی‌هایی را به مرزهای ایران آغاز کرده بودند. در رأس این حکومت‌ها، ازبکان مغول تبار بودند که افزون بر بدخواهی سیاسی در خصوص تشکیل یک حکومت مرکزی قوی در ایران، خصم شیعیان نیز به شمار می‌رفتند. ظهور شاه اسماعیل، بیش از پیش، ازبکان را رویاروی ایران قرار داد. فصل پنجم روایت این تقابل سیاسی، نظامی و معرفتی است.

در زمان تاج‌گذاری شاه اسماعیل در تبریز در ۹۰۷ ه.ق، مدت زیادی از تصرف قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح عثمانی نمی‌گذشت. این واقعه خبر از ظهور یک امپراتوری بزرگ در غرب ایران می‌داد که به پایداری و سرسختی در برابر کفار مسیحی شهره بود و

توانست تا عمق اروپا پیشروی کند. اساس این امپراتوری بر اندیشه خلافت اسلامی استوار بود و بعدها با تصرف حرمین شریفین هرچه بیشتر بر این عنصر مشروعیت‌آفرین تأکید کردند. تلاقی ظهور این امپراتوری با یک امپراتوری شیعه بی‌تردید زمینه‌ساز چالش‌های فراوان برای هر دو دولت بود. در فصل ششم به تاریخ بغض‌آلود و خونبار این روابط در زمان شاه اسماعیل می‌پردازیم.

رویارویی حکومت نوظهور و نوپای صفویه با امپراتوری کارآزموده عثمانی برای ایران خالی از خطر نبود. به‌ویژه آن‌که پادشاه جوان ایران مغرور بود و بی‌اعتنا به مشاوران دلسوز و مجرب. شکست تلخ و تراژیک چالدران، که می‌توان آن را یکی از نقاط عطف تاریخ ایران دانست، موضوع اصلی فصل هفتم کتاب است.

در فصل آخر این اثر، در سال پایانی زندگی شاه اسماعیل را با تأکید بر تکاپوهای دیپلماتیک ایران برای جبران شکست چالدران بررسی می‌کنیم. این بررسی‌ها نشان می‌دهد شاه اسماعیل نخستین پادشاه واقع‌گرا در تاریخ ایران است که، اگرچه دیرنگام، در صدد تشکیل اتحادیه‌های فرامنطقه‌ای برآمد تا بتواند دشمن قهار و بزرگ منطقه‌ای خود، عثمانی، را مهار کند.